

سخن از صلح بگو، اسلحه را هم بردار! (مداحی حماسی و
عدالتخواهانه دکتر میثم مطیعی در روز عید فطر ۱۳۹۶)

ای هلالی که تماشای رخت دلخواه است
هله ای ماه! خدای من و تو الله است [۱]
روز عید است و قنوت است و دعای من و تو
اهل جود و جبروت است خدای من و تو
کبریا و عظمت چیست؟ ردایش آری
عفو و رحمت نمی از بحر عطایش آری
و له الشکر که یک ماه مرا مهمان کرد
و له الحمد گناهان مرا پنهان کرد
بسته شد پنجره عرشی راز رمضان
الوداع ای سحر راز و نیاز رمضان
الوداع ای شب الغوث شب خلصنا
شب قدری که نشد قدر بدانیم تو را
بزم قرآن به سر و بندگی درگاهش
لیلة القدر و نوای «بک یا اللهش»
دم گرفتیم شب گریه به آواز جلی

«بعلی بعلی بعلی بعلی»

دم گرفتیم به ذکری ابدی و ازلی

«بحسین بن علی بحسین بن علی»

سخت دلتنگ توایم ای مه کامل! رمضان!

ای که از همدمی ات نرم شد این دل، رمضان [۲]

الوداع ای که لبم را به عطش خوش کردی

در دلم شوق گنه بود تو خامش کردی

تشنگی را تو چشاندی به من از روی کرم

تا ز یادم نرود تشنگی اهل حرم

یا رب ار هست مرا جرم نبخشیده هنوز

عیدی ام را بده و در گذر از آن امروز

کاش فیض سحر و روزه بماند با ما

نور این طاعت سی روزه بماند با ما

دل ببندیم به شیرینی امساک ای کاش

روزی ما نشود لقمه ناپاک ای کاش

ای خوشا روزه هر روزه چشم و دل و کام

ای خوشا شیوه پرهیز ز شبهه، ز حرام
نگذاریم که آید به سر سفره ما
لقمه دوزخی "رشوه" و زقوم "ربا"
پی هر لقمه مبادا که دهان بگشاییم
ما که پرورده نان و نمک مولاییم

کار و همت همه رنگ و بوی این خاک است
عرق کارگران آبروی این خاک است
به عمل کار برآید به سخندانی نیست
پینه دست کم از پینه پیشانی نیست
کارگر، گرچه عرق، آب وضویش باشد
عرق شرم مبادا که به رویش باشد
آه از آن دست پر از پینه که حسرت بکشد
پدری کز زن و فرزند خجالت بکشد

ای نشسته صف اول! نکنی خود را گم
پی اقدام تو هستند هنوز این مردم

چند روزی تو مقامی به امانت داری
منصبت را نکند طعمه خود پنداری [۳]
راه می جویی اگر، شیوه مولاست دلیل
قصه آهن تفتیده و دستان عقیل
حرف تبعیض در آیین علی هرگز نیست
آهن سرخ گواه است خط قرمز نیست
پلک بر هم مگذارید که فرصت رفته ست
پلک بر هم زدنی فرصت خدمت رفته ست

ما نه آنیم که آموخته غرب شویم
پی هر وسوسه ای سوخته غرب شویم
سیلی از کوخ نشین، کاخ نشین خواهد خورد
و زمین خوار سرانجام زمین خواهد خورد
"بیست سی" چیست که تعلیم جهان، از دل ماست
هان که جمهوری اسلامی ایران اینجاست
اگر از غرب رسد نسخه، خودش بیماری ست
قرص خواب است ولی چاره ما بیداری ست

تا ابد تربیت از مهر ولی می‌گیریم
مشق از غیرت ابروی علی می‌گیریم
ما بر آنیم که در مکتب او دیده شویم
با علی اصغر و قاسم همه فهمیده شویم

تا ابد سستی تسلیم مبادا با ما
وحشت از حربه تحریم مبادا با ما
باز تحریم جدیدی به سنا رفت که رفت
جسم برجام چو روحش به فنا رفت که رفت
ذوق بیهوده ز برجام خطا بود خطا
تکیه بر عهد عمو سام خطا بود خطا
عهد با دزد سر گردنه بستیم ای دوست
بارها عهد شکست و نشکستیم ای دوست
هر چه می‌شد بُرد از کیسه ما بُرد که بُرد
"بُرد بُرد" این بُود آری همه را بُرد که بُرد
گفته بودند که دشمن به تجارت آمد
پیر ما گفت که البتّه به غارت آمد

خواب دیدند صلاح از طرف بیگانه است
به خود آییم نجات همه در این خانه است
کارزار است، قدم قاطع و محکم بردار
سخن از صلح بگو، اسلحه را هم بردار!
راه ما راه حسین است و به خون روشن شد
تکیه بر تیغ زد آن دم که جهان دشمن شد
نه به دل راه بده واهمه از احم عدو
نه دلت غنچ رود باز به لبخندی از او
دل به لبخندش اگر باخته ای، باخته ای!
گر ز اشمش سپر انداخته ای باخته ای!
غم مخور، سست مشو، با صف اعدا بستیز
مژده "لا تهنوا [۴]" میرسد از جا برخیز
تا بدانند که هان لشکر احمد ماییم
رزمجویان و دلیران محمد ماییم

ذوالفقار علوی بود برون شد ز نیام
مرحبا، دست مریزاد، سپاه اسلام

ناز شست تو دلاور حسن تهرانی
زنده ای تا به ابد، فاتح این میدانی
هست مدیون تو امنیتمان تا به ابد
هست ممنون تو ایران و جهان تا به ابد
اینکه چون صاعقه آمد به سرت تکفیری
ذوالفقار است که از غرش آن می‌میری
وقت آن است سر جای خودت بنشینی
با دم شیر مکن بازی، بد میبینی!
نوش جان همه‌تان سیلی شش موشک ما
که صدایش برسد تا به ریاض و حيفا
(شترقش برسد تا به ریاض و حيفا!)
این قدر بمب نچسبان به کمر ای نامرد!
صبر کن موشک ما منفجرت خواهد کرد
ای ابوجهل که در کشتن خود استادی
خر دجالی و افسار به صهیون دادی
ای سیه روی که از نفت سعود آمده ای
بچه ابلیس که از ناف یهود آمده ای

دشمن از ابله‌ی‌اش در طمع خام افتاد
تشت رسوایی‌اش اما ز سر بام افتاد
جاهلیت چه سعودی و چه غربی یکجا
گرم رقصند، عجب منظره‌ای باب هَجا

رقص شمشیر چو در خیمه دشمن برپاست
سپر انداختن و طعنه به شمشیر خطاست
آری آرامش ما مرد خطر می‌طلبد
صبح پیروزی ما خون جگر می‌طلبد
«می‌وزد از همه جا بوی گل یاس شهید
از کجا آمده اند این همه عباس شهید
ذوالجناح از نفس اینبار نخواهد افتاد
علم از دست علمدار نخواهد افتاد [۵]»
در دفاع از حرم، آیینه آن سقاییم
همچو عباس، علمدار ولایت ماییم
این زره پشت ندارد منگر برگردیم
تیغ در دست، به ره، منتظر ناوردیم

قدس ای قبله آغاز که پایان با توست
مهر باطل شدن فتنه شیطان با توست
تو کلید همه گمشدگی‌ها هستی
قدس ای قدس! تو آزادی دنیا هستی
منشینید به غم شام بلا می‌گذرد
راه ما از سفر کربلا می‌گذرد

شاعران: آقایان علی محمد مودب، محمد مهدی سیار، میلاد
عرفان پور، رضا وحیدزاده

/

[۱] دعای رویت هلال ماه: رَبِّي وَ رَبُّكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ
أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَ الْإِيمَانِ وَ السَّلَامَةِ وَ الْإِسْلَامِ وَ الْمُسَارَعَةِ إِلَى
مَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا وَ ارْزُقْنَا خَيْرَهُ وَ
عَوْنَهُ وَ اصْرِفْ عَنَّا ضُرَّهُ وَ شَرَّهُ وَ بَلَاءَهُ وَ فِتْنَتَهُ.

[۲] فرازی از دعای ۴۵ صحیفه سجادیه (وداع با ماه رمضان):
السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ مُجَاوِرِ رَقَّتْ فِيهِ الْقُلُوبُ. خداحافظ ای همسایه
ای که در کنارت قلب‌هایمان رقت داشت.

[۳] بخشی از نامه پنجم نهج البلاغه (که حضرت علی علیه
السلام به اشعث بن قیس عامل آذربایجان نوشت): وَ إِنِّ عَمَلَكَ
لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ... حکمرانی برای تو
طعمه نیست، بلکه امانتی است بر عهده‌ات...

[۴] آل عمران : ۱۳۹: وَ لَا تَهِنُوا وَ لَا تَحْزِنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ
مُؤْمِنِينَ. و سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید اگر
ایمان داشته باشید.

[۵] مطلع دو غزل از مهدی جهاندار.

منبع : سایت استاد میثم مطیعی

<http://meysammotiee.ir>

کانال تلگرام

https://t.me/MeysamMotiee_ir